



## واژه قشقایقی در اسناد صفویه

پدیدآورده (ها) : احتشامی، لطف الله  
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: زمستان 1380 - شماره 44  
از 14 تا 27

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92345>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی  
تاریخ دانلود : 16/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



# واژه « قشقایی » در اسناد صفویه

## لطف‌اله احتشامی

ایل شناسان، معتقدند که واژه‌ی « قشقایی » از دوران کریم خان زند در نوشته‌ها و اسناد دیوانی به کار رفته است. ولی اسنادی که به شرح آنها می‌پردازیم، این ادعا را نفی می‌کند و بیانگر آن است که واژه‌ی « قشقایی » سابقه‌ی طولانی در اسناد صفویه دارد و گمان می‌رود که پژوهشگران ایللی، تاکنون در تحقیقات خود، به اسناد جدیدی که آنان را متقاعد کند، دست نیافته‌اند و فقط به واژه‌ی « قشقایی » در سند دیوانی مورخه ۱۱۲۸ ق. که میرزا محمد حسین مستوفی، آن را در تاریخ ۱۲۱۵ ق. استنتاج و ضبط نموده است. بسنده کرده‌اند و لذا آنان، معتقدند که در روزگار صفویه، ایللی که « قشقایی نام داشته، ساکن فارس بوده است، و در مورد ایل قشقایی، پارا فراتر از این نگذاشته‌اند.

محقق فاضل، سیروس برهام، در کتاب خود نوشته است: میدانی ایل قشقایی، امری است نسبتاً متاخر، که در اواخر روزگار صفویه نحقق یافته، پس از آن، ایللی که « قشقایی » خوانده شود، وجود نداشته است. همین است که علیرغم بود و باش دست کم ششصد ساله طولانی از قشقاییها در فارس، قدیمی‌ترین سند تاریخی واجیع به آنان، از زمان کریم خان زند، فراتر نرفته است و نخستین بار که لفظ قشقایی، در تاریخ ضبط شده، در سده‌ی یازدهم هجری است، آن هم در شعر و نه در متون تاریخی؛ و پیش از آن، در هیچ کجا و در هیچ کتاب و نوشته‌ای، از « قشقایی » یاد نشده است. (۱) و اولین ضبط، در تذکره‌ای است به نام تذکره‌ی نصر آبادی که در نیمه‌ی اول سده‌ی یازدهم تألیف شده است. در آنجا، شاعر اصفهانی، از « باره خیک بتر خلیج و قشقایی » یاد می‌کند. (۲) ولی باید گفت که: « نخستین متن مکتوب بازمانده به زبان قشقایی، ظاهر آکنیه گرانسنگ، « تان یوقوق ITAN yogug » است، که سه متر و هفتاد و پنج سائیکه طول دارد و در دوره بلاش اشکانی پدید آمده است. این کتیبه را در سال ۱۸۸۹ م، رادلف Radloff آلمانی کشف و فرانت کرده است.

نگارنده، در پژوهشهای عشایری در قلعه‌ی (۳) آبا و اجدادی خود، به اسنادی دست یافته که در تمام آنها، واژه‌ی « قشقایی » کتابت شده و موید آنست که واژه‌ی « قشقایی » حداقل از دوران صفویه به شکل فعلی نوشته می‌شده و ایللی به نام « ایل عبدالجلیلی قشقایی » وجود داشته و فرمان مورخ ۱۰۱۹ ق. شاه عباس، شاهد این مدعاست. لذا سعی بر آنست که در این مقاله کوتاه، به معرفی نمونه‌هایی از آن اسناد (فرمانها، اسناد ملکی، قباله‌های ازدواج و سنگ‌نوشته‌ها) در دوره صفویه و دوره‌های بعد از آن، به ترتیب تاریخ سند برداشته شود.

### فرمانها:

#### سند شماره ۱۵

بنده شاه ولایت، عباس  
۹۹۹

فرمان همایون شد آنکه چون در مولا کلا خدا بوشاد (۴) و جمعی از عجزه و رعایای احشام عبدالجلیلی قشقایی به عرض رسانیدند که جماعت مذکوره ایل عبدالجلیلی، شریک جمع بنیجه ایشانند و مترجعات ایشان در تحت احشام عبدالجلیلی انواب جمع است و برلیغ مهر

اولاد	اولاد	اولاد	اولاد
حسن علی	حیدر میر حاجی	خضر شیر گز و محمد باقر	اسماعیل محمد گرو احمد

اولاد  
حیدر حاجی

اولاد  
امرانله

اولاد  
اسماعیل و شاه ولی کینجا

اولاد  
اسماعیل محمد حسین

اولاد  
امریری

اولاد  
سلطان کمانگر و حیدر علی

اولاد  
اسماعیل صبا

اولاد

در این باب در دست دارند و مرتضی قلی، ولد ملک بیگ، قشقایی، به خلاف حکم و حساب، مانع و مراجع شده، نمی گذارد که بارعایای عبدالجلیلی دست یکی داشته، به دستور رعایا و سرکار، از عهده مال و حقوق دیوانی خود از قرار واقع بیرون آیند و این معنی، خلاف حساب است. بنابراین مقرر فرمودیم که چون نتیجه جماعت مذکور، در نحت عبدالجلیلی ایوب جمع بوده باشد و کدخدایان عبدالجلیلی، در این باب سرخط و برلیغ مهر در دست داشته باشند، با سایر کدخدایان و رعایای عبدالجلیلی دست یکی داشته، هر یک از عهده سری واقعی خود به دستور سایر رعایا و شرکای بیرون آمده، ستم شریکی ننمایند و سال به سال متوجهات خود را، به حواله کدخدایان عبدالجلیلی، از قرار حق و حساب و اصل نمایند و به عذر بی حساب، موقوف نمانند. مرتضی قلی مذکور، حسب التمسعور مقرر حالی به خلاف حکم و حساب مانع نشده گذارد هر جماعت مذکور، با سایر رعایای عبدالجلیلی دست یکی داشته، از عهده حقوق دیوانی خود بیرون آیند و از نمرود، که موجب مواخذه است، آملد و شد نمایند. به عهده ثیولدار، از جماعت «قشقایی» که در این باب، نهایت امداد به تقدیم رساند و مجال تعدد بی حساب به احدی نداد و از جاده حق و حساب تجاوز ننموده، از شکایت رعایا محذر باشند. در این باب قدغن، حالی هر ساله حکم مجدد طلب نکند (۵)

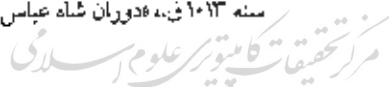
تحریر شهر ذی حجه الحرام ۱۰۱۹ ق.

## اسناد ملکی

### سند شماره ۶

سند ملکی، که در آن آمده، بوخیرید از وی، خانق، ولد عاشور قلی جماعت اصلانی قشقایی همگی و تمامت ییمدانگ از جمله شش دانگ مزرعه موسوم به عین قری (آئینه قری)...

سنه ۱۰۱۳ ق. دوران شاه عباس اول



### سند شماره ۵

سند ملکی، که در بخشی از آن آمده «غرض از عرض این مقال شرعی المشاه و آمال، آن است که در بهترین وقتی از اوقات و شریف ترین ساعتی از ساعات، کمر علی کاخدا، ولد مرحمت پناه حاجی شاه قلی دذکی (۶) عن قوم «قشقایی» معروفاً بقر وخت ... به حاجی شاه منصور و هما «قشقایی» عبدالجلیلی، من القوم البایع المسطوره و مومی علیه بخیریدند از وی، به عقد شرعی و بیع صریح ملی، همگی و تمامت و جملگی و قاطعت نیم دانگ آب و زمین از جمله شش دانگ از کل هفتاد و دو حبه، واقع در مزرعه علیچوق، عن توابع وردشت، فی اعمال سمیرم فارس، مشهوراً به تمن و قیمت مقرر معین مقبوض فی المجلس عقد المایعه، به مبلغ هجده تومان تیریری مجدد شهروان مصروب مسکوک نصف مبلغ نه تومان رایج وقت نقره عباسیه (۷)»

سنه ۱۱۰۵ ق. دوران شاه سلطان حسین صفوی

### سند شماره ۴

سند ملکی، که در آن آمده «کمر علی کدخدا، ابن مرحمت و غقران پناه حاجی شاه قلی کدخدای قشقایی معروفاً بولوسفه، بقر وخت ... به حاجی عباس قلی مشهوراً، ابن مرحمت و غقران مکان حاجی اژوند (۸) من القبیله المذکوره، و مشارالیه بخیرید از او، به عقدی صحیح شرعی و بیعی صریح ملی، همگی و تمامت نیم دانگ آب و زمین از جمله شش دانگ از کل هفتاد و دو حبه املاک مزرعه معینه موسوم به علیچوق، از توابع وردشت فی اعمال سمیرم فارس، مشهوراً کماذکر، محدود به حدود اربعه اولاً به جبل سورمنده و به جان خواجه و به شارع





سمیرم و گرویه [کهرویه] او به فایاقلو مستثنی از حد و وصف و هما ... به ثمن و قیمت مقرر معین معلوم. کما یوجد قدره فی الوصف. مبلغ بیست تومان تیریزی شهروان جاری در معاملات، نصفه مبلغ ... یکصد هزار دینار تیریزی شهروان به سکه صاحب قرانی ...»

سنه ۱۱۰۵ ق.، دوران شاه سلطان حسین صفوی»

### قبایله‌های ازدواج:

#### سند شماره ۵

قبایله ازدواج، که در آن آمده: شاهواز کدخدای، ابن مرحوم حاجی برات قلی قشقای و قزقرخانلی ... (۸۹) سنه احدی و عشرون و ماهه بعد الف ۱۱۲۱ ق.، دوران شاه سلطان حسین صفوی»

#### سند شماره ۶

سند ملکی که در بخشی از آن آمده است: بفروخت به بیع لازم جازم صحیح شرعی، به حضرت شفقت و مکرمت آثار عیسی کدخدای قشقای، ابن مرحمت و غفران پناه حاجی الحرمین شریفین حاجی علیدوست کدخدای قشقای ... بفروخت قاطبت سه حبه مفروضه از جمله نه حبه از کل هفتاد و دو حبه مزرعه ماشک، من محال چهار دانگه (۱۰) سردسیر فارس. که محدود می شود به جبل قلاتک و به رودخانه زردویله و به گردنه مروک و به املاک هونجان ...»

سنه ۱۱۲۵ ق.، خسته و عشرون و ماهه الف، دوران شاه سلطان حسین صفوی»

#### سند شماره ۷

سند ملکی، که در آن آمده: موکیل و نایب شریعت و عصمت و خدایت پناه المسماء به سوگلو خانم، بنت مرحمت و غفران پناه حاجی الحرمین ... و رفعت آقا محمد نصیر، ابن مرحوم محمدباقر کدخدای قشقای و ... بفروخت و کاله به عیسی آقا، ابن مرحوم معفور حاجی الحرمین شریفین حاجی علیدوست قشقای، قاطبت یک حبه و نیم مفروضی از کل هفتاد و دو حبه مزرعه ماشک، من محال چهار دانگه سردسیر فارس، به عنوان ازت پدزی (۱۱)»

سنه خسته و عشرون و ماهه بعد الف ۱۱۲۵ ق.، دوران شاه سلطان حسین صفوی»

#### سند شماره ۸

سند ملکی، که در آن آمده: الحمدلله رب العالمین و الصلوة تسلیم علی محمد و آله الطاهرین، باعث بر تحریر این کلمات شرعی، آن است که اقدام نمودند رفعت پناه عبدالحمید و عصمت پناهان بیک آغا خانم و مسینه جان خانم، بنتان منتصب به عبدالغفار قشقای، بفروخت به بیع لازم اسلامی، بجناب رفعت و عزت پناهان و زبده الامتان و الاقران، آقا علیدوست و آقا محمد مومن، ابنان مرحوم معفور میرور عیسی آقا قشقای و بیرامعلی و عبدالله، ابنان مرحوم توفیق آثار مشهدی فضل اله من القوم، و مشارایهما، بخرباند از ایشان به عقد صحیح شرعی، همگی و تمامت موازی دو حبه و نیم از کل مشاع آب و املاک از جمله شش حبه از کل هفتاد و دو حبه مزرعه بوزم دو مزارع «هونجان» من توابع گرویه [کهرویه] با جمیع توابع و لواحق شرعیه ... به مبلغ ۸۵۰۰ دینار تیریزی فسی مضروب مسکوک مبیعه شرعیه و معاهده صریحه علیه مشتمله بر صیغه ایجاب و قبول ... (۱۲)

غره شهر الرمضان مبارک سنه ۱۱۵۴ ق.، دوره نادر شاه افشار»

#### سند شماره ۹

سند ملکی، که در آن آمده: حاضر شد عصمت و عفت خاتون آغا خانم، بنت مرحوم اله وردی کدخدای

قشقای و بفروخت به بیع صحیح شرعی، به علیدوست کلدخدا و محمد مومن کلدخدا، ولدان مرحوم المغفور عیسی کلدخدای قشقای، همگی و تمامت شش حبه آب و املاک از کل شش دانگ مزرعه گرگراه ... (۱۳) سنه ۱۱۶۳ ه. ق. دوران کریم خان زند

### سند شماره ۱۰

(۱۰-۱) خرید و فروش کنیز در ایل قشقای (۱۴)

باخت تحریر این کلمات شرعیه الدلالات، آن است که حاضر شد در صحت نفس و کمال عقل، عالیشان معلی مکان، یحیی یک، ابن مرحمت پناه شهیار آفاده سوزی، من جماعت قشقای، و بفروخت به مبیعه صحیحه شرعیه، به عالیشان معلی مکان، محمد جعی یک، خلف مرحمت و خفران پناه جنت و رضوان آرامگاه محمد مهدی خان چوله سمیرم، و معظم آبه نیز بخرد از وی، به عقد معتبر در شرع انور، موازی یک نفر جاریه اسوداللون (= سیاه پوست) مریم نام، به ثمن مبلغ ده تومان تبریزی فقی زو نقد مبیعه صحیحه شرعیه و صیغه ایجاب و قبول شرعین، و اکنون جاریه مذکور را از ید بایع مزبور اخراج و به ید تصرف مشتری سابق الذکر، قرار و استقرار نیز یافت ... ۱۲۱۳ ق.، دوره قاجاریه

### (۱۰-۲) الباقه از دواج

که در قسمتی از آن آمده، عقد واقع شد فیما بین عالیقدر و رفیع مقدار و مکرمت شعار، محمد باقر کلدخدا، خلف مرحمت و خفران پناه منصور کلدخدای هونجانی لهونجان، و عصمت و عفت پناه الباقه الباکره الرشیده الصخره المکرمه، المسماه به «ناه نسا خاتم» بنت مرحمت مآب، محمد باقر بیگ قشقای دهاقانی ... سنه ۱۲۴۱ ه. ق.، دوران فتعلی شاه قاجار

### سنگ نوشته ها:

### سند شماره ۱۱

قدیمی ترین سنگ قبر مربوط به قشقایها، در آبادی ای به نام «کرن» در منطقه ی ویرانشهر سمیرم، پلایق طایفه دره شوری پیدا شده است که بر روی آن سنگ قبر، تاریخ ۱۰۲۵ ق. حک شده، و مربوط به یکی از افراد تیره دذکی (۱۵) طایفه عمه قشقای می باشد و نشانگر آن است که افراد ایل قشقای، ۳۶۳ سال قبل، به فارس کوچیده اند. (۱۶)

### سند شماره ۱۲

سنگ قبر دیگری به نام «سنگ قبر حاج قوجعلی قشقای» متوفایه سال ۱۰۵۰ ق. است که در کنار امامزاده ی سید محمد کران، در چهار محال بختیاری قرار دارد. (۱۷)

### سند شماره ۱۳

در قبرستان مزرعه ماشک هونجان، سنگ فیری وجود دارد که بر روی آن، نقر شده است: «کل نسو الموت (۱۸)» وفات مرحوم منوری بن باز علی قشقای، به تاریخ سه شهر رجب ۱۰۵۸ ق. (۱۹)

آنچه مذکور افتاد، نمونه ای از اسناد موجود دوران صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه بود که واژه ی «قشقای» در آنها، به کار رفته است و انتظار می رود مورد توجه محققان ایل قرار گیرد. لذا، واژه ی مذکور در اسناد دیوانی و نوشته های دوره صفویه، از اول حکومت شاه عباس (فرمان ۱۰۱۹ ق.) تا دوران حاضر، به شکل فعلی «قشقای» به



کار می‌رفته و می‌توان ریشه بابی واژه‌ی «قشقای» را، قبل از دوران صفویه و در دوران آق‌قویونلوها و قره‌قویونلوها جستجو کرد. بیشتر احتمال می‌رود که واژه‌ی «قشقای» تغییر شکل یافته‌ی واژه‌ی «قشقای» باشد که در اثر مرور زمان و لهجه‌های محلی و تحریف لفظ «قشقه‌ای» و «قشقای» پیدا شده باشد. به همان اندازه که تغییر و تبدیل «ممبسنی» به «ممسنی» و «چای» به «چی» صورت گرفته است. بنابراین، در مورد تغییر کلمه قشقای، که بار تولد (۲۰) نیز، منشأ لفظ قشقای را به آن نسبت داده است. باید گفت که این واژه، در باکوری قفقاز هنوز وجود دارد. در اینجا، باید به نام خانوادگی «پروفور میرعلی قشقای» استاد دانشگاه باکو در قفقاز، و به نام خانوادگی آقای وحسن قشقای، نماینده ریاضت کریم در مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۹ ق.ش.) اشاره کرد که هر دو واژه، می‌تواند ریشه واژه قشقای به حساب آید.

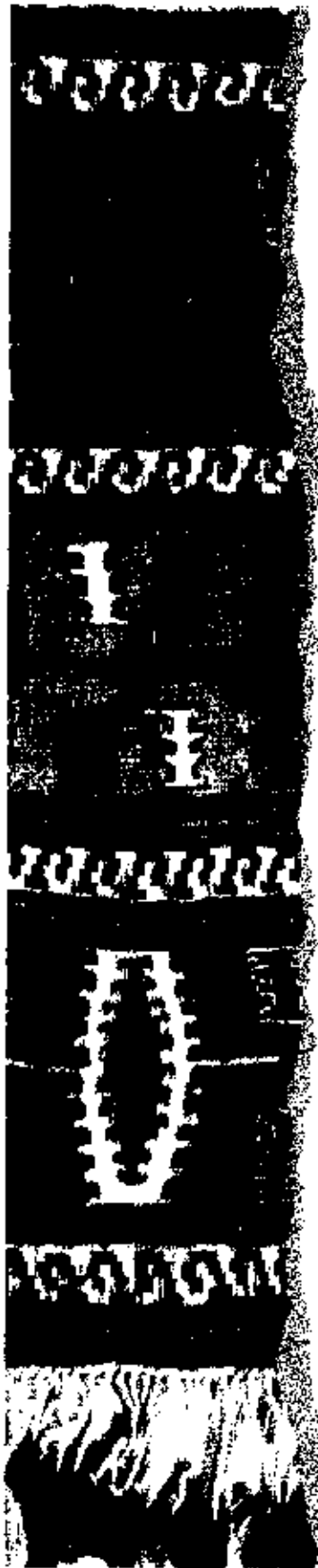
مرحومه منیرآلده‌له پیرنیا، در تصحیح نواریخ کامل نژادهای ایرانی، آورده است: ایل قشقای، از ایلات قفقاز است که هنوز هم قریب بیست هزار خانوار در دربند قفقاز، به نام «کشکائی» موجود و ساکن می‌باشد؛ حتی در یک قسمت از کوه و کمر دربند قفقاز، به لفظ ترکی حجازی شده که ترجمه آن چنین است: «در آنجا می‌نشینند ایلات کشکائی» (۲۱). مشیرالدوله، خوالین قشقای را، از نسل و نژاد اوزون حسن آق‌قویونلو معرفی می‌کند که در زمان شاه عباس یا شاه طهماسب، از اردبیل به طرف اصفهان مهاجرت کرده‌اند. پی‌یریرینگ (۲۲) در مورد تغییر مکان ترکان قشقای، نوشته است: آنها، در سده‌های پنجم و ششم، در پی هجوم غزنویان و سلجوقیان، از آسیای مرکزی به خاورمیانه و ایران مهاجرت کردند. که با توجه به اسناد یاد شده، باید واژه‌های قشقای را در دوران آق‌قویونلوها و قره‌قویونلوها جستجو کرد. چون در سال ۸۱۳ ق. ۱۴۰۹ م. متصرفات جلاپریان اذربایجان به دست قره‌قویونلوها افتاد و حکومت اوزن حسن آق‌قویونلو، از سال ۸۷۲ ق. ۱۴۶۷ م. شروع شد. متصرفات اوزن حسن، در سال ۸۷۳ ق.، از خراسان و خلیج فارس در شرق و جنوب و تا آناتولی در غرب کشیده شده بود و این موضوع، نظر این شهاب‌پزدی را، در مورد ترکانی که در گندمان بوده‌اند (۲۳). مورد تأیید قرار می‌دهد. همچنین، واژه‌های باقیمانده از مهاجرت ترکان اولیه، که در روستای قشقای نشین هونجان برجای مانده، احتمالاً می‌تواند مزید مهاجرت ترکان اولیه، از مناطق آسیای صغیر و قفقاز به طرف جنوب و فارس باشد مانند نام خانوادگی «فرمان» در روستای هونجان، که واژه‌ی «فرمان» (۲۴) آن، منسوب به «ولایت فرمان» در جنوب آناتولی است.

فرمان، نام گروهی از ترکان غرب دور ترکیه می‌باشد که نزدیک دیاربکر و دریاچه وان، در ترکیه می‌زیسته‌اند؛ جایی که محل زیست ترکان آق‌قویونلو بوده است (۱۵۰۳ ق. ۱۴۰۳ م.). سرانجام با اشغال قونیه به دست عثمانیه، به حکومت امیران فرمان، پایان داده شد. همچنین، واژه‌ی «قراچه‌ای» که نام طایفه‌ای از قشقای است و در روستای گمه از توابع سمیرم سکونت دارند و در زمان شاه اسماعیل، جزو جماعت همراه او بودند (۲۵) و واژه «قره‌قویونلو قاشی» (نام محلی در گذشته‌ی توکل) «واژه‌ی «سلطان خلیل» (۲۶) نام مرزعمای از توابع روستای هونجان، که تمام این اسامی و واژه‌ها، نشانگر مهاجرت و ورود ترکان قشقای، از ترکیه و غرب ایران به جنوب است. در پایان، به مقایسه واژه‌های ترکی قشقای، آذری و عثمانی، که مشابهت نزدیک به هم دارند، می‌پردازیم.

## جدول شماره ۱

### مقایسه واژه‌های ترکی قشقای روستای هونجان، با ترکی عثمانی و آذری

ردیف	ترکی قشقای «هونجان»	برابر فارسی	ترکی عثمانی (ترکیه) (۲۷)	ترکی آذری (۲۸)
۱	ایلدریم	برق	یلدیریم	الدیریم
۲	ای سیق	روستای نور	یشیک	ایشیق
۳	سیچاق (ق)	گرم	سیچاک	ایسی
۴	بیچاق	کارد	بیچاک	بیچاق
۵	بیش میش	پخته	پیش میش	پیشمیش
۶	سکسن	هشتاد	سکسن	هشتاد
۷	توپوق	فورک، مچ	توپوک	توپوق
۸	تورپاق	خاک	تورپاک	تورپاق
۹	بغاز	گلو	بغاز	بوغاز
۱۰	یاغی یور	می‌بارد	یاغی یور	یاغیر
۱۱	باشلی یور	شروع می‌کند	باشلی یور	باشنر



ردیف	ترکی قشقایی «هونجان»	دیباچه فارسی	ترکی عثمانی (ترکیه)	ترکی آدلی
۱۲	گوبی	جنوب	Guney گونه ی	گونی
۱۳	قوزی	نه سرده شمالی	Kuzey کوزه ی	قوزی
۱۴	سی غر	گاو	Sigir سی غیر	سغر
۱۵	بیاض	سفید	Beyaz بیاز	اق
۱۶	شفتالی	هلو	Seftali شفتالی	شافتالی
۱۷	اتک	دامن	Etak اتک	اتک
۱۸	یوقورت	ماس	Yogurt یوقورت	یوغورت
۱۹	بشار د نئس	خالی کن، خالی	Bos بوش	بوشارد
۲۰	ایاق	پا	Ayak ایاک	ایاق
۲۱	آفاح	درخت	Agac آغاج	آغاج
۲۲	گوبک	ناک	Gobek گوبک	گوبک
۲۳	سویور	جاروکن، جار	Supurge سوپورگه	سوپور
۲۴	اوزوم	انگور	Uzum اوزوم	اوزوم
۲۵	ساج	گیسو، موی سر	Sac ساج	ساج
۲۶	اون	آرد	Un اون	اون
۲۷	اولکه	مسلکت، وطن	Uke اولکه	وطن
۲۸	نومورته	تخم مرغ	Yamurta نمورنا	یومورتا
۲۹	دو شاخ (ق)	لب	Dudak دوداک	دوداق
۳۰	مضخ	آشپزخانه	Mutfak موفک	موتفاح
۳۱	کوبک	سگ	Kopuk کپک	کوبک
۳۲	بال	عسل	Bal بال	بال
۳۳	کرتور	سنگ بزرگ	Kotur کتور	کایا
۳۴	باغوش، باغو	چغند	-	بایغوش
۳۵	آغری	دزد	Agri آغری	اوغری
۳۶	یاز	بهار	Yaz یاز	یاز
۳۷	توق	مرغ	Tavuk تاپوک	تویوق
۳۸	بولوت	نیر	Bulut بولوت	بولوت
۳۹	باغوش	باران	Yagmur یاغمور	یاغیش
۴۰	چرک	نان	Ekmek اکمک	چوردک
۴۱	قصاب	قصاب	Kasap کاساپ	قصاب
۴۲	قرنگی	تاریکی	Karanik کارانلیک	قرانلیق
۴۳	آچی	تلخ	Aci آچی	آچی
۴۴	سوغان	پیاز	Sogan سوغان	سوغان
۴۵	دوگی	برنج	Pilinc پیرینج	دوگی
۴۶	قیماق	خامه	Kaymak کایماک	قیماق
۴۷	دوز	نمک	Tuz توز	دوز
۴۸	آغریور	درد می کند	Agryor آغریور	آغریور
۴۹	ساق	راست	Sag ساق	ساق
۵۰	چپ	چپ	Sol سل	سول
۵۱	اپسیدمه	تب، سرماخوردگی	Usurme او شوتمه	تب
۵۲	اورتا	وسط	Orta اورتا	اورتا
۵۳	دری چلد	یوست	DeriCilt دری چیلت	دری
۵۴	اوکوز	گاور	Okuz اوکوز	اوکوز
۵۵	اینک	گاو ماده	Inek اینک	اینک
۵۶	فویون	میتس	Koyun کویون	فویون



ترکی عثمانی (ترکیه)	ترکی آزادی	برابر فارسی	ترکی قشقایی «هونجان»	ردیف
Keci	گچی	بز	گچی	۵۷
Deve	دوه	شتر	دوه	۵۸
Bank	بَنک	آسمان	گوی	۵۹
Dag	داغ	کوه	داغ	۶۰
Tas	تاش	سنگ	داتش	۶۱
Kie	کیش	زمستان	قش	۶۲
Cansamba	چارسامبا	چهارشنبه	چارشنبه	۶۳
Buyuk	بویوک	بزرگ	بیگ	۶۴
Kucuk	کوچوک	کوچک	کورجوق	۶۵
Geneklen	گرچکن	حقیقتاً	گرچک دن	۶۶
Kimse	کیمسه	هیچکس	کیمسه	۶۷
Yi	یل	سال	ئیل	۶۸
GunBatan	گون باتان	غروب	گون باتان	۶۹
Butum	بوتون	تمام	بوتون	۷۰
Cagird	چاقیرد	صداکن	چاغور	۷۱
Çanta	چنتا	کیف	چننه	۷۲
Callyor	چتالی یز	زنگ می زند	چالییور	۷۳

### بی نوشتها:

۱. سروس برهام، دستاویزهای عشایری و روستایی فارس، ج ۸ انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۹، ص ۶۸  
 ۲. میرزا محمد ظاهر نصر آبادی، تذکره نظم آبادی، مصحیح وحید دستگردی، سال ۱۳۷۷، چاپ ارمان، ص ۳۶۵ و ۳۶۶ در تذکره نصر آبادی، آمده است: ملا محمد شریف، از فرقه در توسفان آن من اعمال اصفهان و از اقربا و شاگردان ملا محمدالحق است. پدرش، استاد کلمی سنگرش بود. وی - حضورش شریف به میزبانی عرب رسید، املاک او بود. میباید به شوخی نقل است بوزا کند. ملا محمد شریف، در این باب شمری می گوید: بعد از آنکه میر مویزد ۷۵۵ زیونی برای ملا محمد شریف فرستاد، این قطعه را گرفت:

کنهی، تحفه فرستاده بمی حضورت میر کانیچان تحفه نایبده فلک، مینایی  
 هر که دید آن به سرچ، گفت مبارک باشغباره لچیک پیر و خلیج و قشقلی  
 ۱۳۲۳ هجری حاج باباخان، محمد رحیم خان، سلطان محمدخان آتشلی در روستای هونجان، ۶۰ کیلومتری شهرضا  
 ۱۳۶۶ که خدای شاه قشقلی ۸ در مزرعه ماشک هونجان، جوی آبی احداث کرد که به نام جوی نوشاده شهرت و قدمت چهارصد  
 ساله دارد و هنوز مورد بهره برداری کشاورزان مزرعه ماشک است.  
 ۱۳ اصل فریمان، در خانواده آتشلی ضبط است. این فریمان، تاکنون دوبار منتشر شده است.  
 ۱۴ طلبه ددی، از طوایف اصل و قدیمی قشقلی و باخوانین هم مواصفت دارد. جد اعلاهی کیشلیان دنگهای، محمد حسن کیشلی  
 می باشد. فرزند محمد حسن کیشلیان خان، و فرزند او، علی بابا کیشلیان فرزندش، جمال خان، و دختر علی بابا کیشلیان، همسر مرحوم  
 حمزه خان کتکولی فرزند حاج عبدالله برادر خدیجه بی بی، همسر مرحوم صولت الدوله قشقلی (سردار عشایر) او مادر مهندس  
 عبدالله کتکولی است. ییلاق آنها در دشت سرزم و قشلاق آنها بویعلی آبادرم است. مظهر نهرمانی ایوردی، وقایع عشایری  
 فارس، ۱۳۷۳، ص ۳۶۲

۱۵ در دوره صعوبه، سکه طلار آتشلی و سرکه قره راه عباسی می نایبندند  
 ۱۶ احتمالاً اسم «عاجی» الوند نشأت گرفته از نام آخوین رئیس آن قویونلوها به سال ۹۰۵-۱۳۹۹ م. است. کرو نووزی جهان  
 اسلام، ترجمه و حواشی از دایره اصفهانپاز، ۱۳۵۰، ص ۱۹۹  
 ۱۷ استاد شماره ۸، ۳۷ و ۳۸ به سازمان اسلام ملی، نتیجه اصفهان اهدا شده است.  
 ۱۸ چهار دانگه فارس، شامل: خنگشت، دشت اوجان، خسرو شیرین، کوشک (ز و موکر آن)، اسپاس است.  
 ۱۹ اصل استان در خانواده آتشلی دنگهداری می شود.



۱۲. همان منبع.

۱۳. اصل سند، به سازمان اسناد ملی، شعبه اسفهان اهداء شده است.

۱۴. سازمان اسناد ملی ایران (اسفهان).

۱۵. طبقه ددکی، از مؤلف اصیل و قدیمی قشقایی و باخوانین موصلت دارد. جد اعلای کبخایان ددکه، محمد حسن کبخا می باشد. فرزند محمد حسن کبخا زاده جان، فرزند او، علی بابا کبخا و جمال خان، و دختر علی بابا کبخا، همسر مرحوم حمزه خان کشکولی، فرزند حاج عبدالله، برادر خدیجه بی بی، همسر مرحوم سردار ششار و ملا مهتدس عبدالله کشکولی است. بیلاق آنها در دست سپهر و قسلاقی آنها ابوعلی اباندرم است. منطقه فهرمائی ایوردی، وقایع عشایری فارس، ۱۳۷۳، ص ۳۶۴.

۱۶. مهدی فرخو، پایان نامه دوره لیسانس، جغرافیای منطقه وردشت، دانشگاه اسفهان، ۱۳۶۹، ص ۶۵.

۱۷. سعید مردانی کزلی، پژوهشی در تاریخ و تمدن و فرهنگ چهار محال و بختیاری، انتشارات شهر کرده، ۱۳۷۵، ص ۳۶۱.

۱۸. این جمله عربی، از دیدگاه دستور زبان عرب، نامرست می باشد و بهتر بوده به صورت کلی نمی. هلاک همه چیز، نابود می شود) می آورد و یا آیه شریفه «کل من علیها فان» را از سوره مبارکه الرحمن، به جای آن می نوشت.

۱۹. لطف الله احتشامی، تحقیقات میدانی، فرستان مزرعه ماشک هونجان، ۶۰ کیلومتری شهر خد ماشک، جوی آبی احداث کرده به نام جوی «نوری» که شهرت و قدمت چهار صد ساله دارد هونز، مورد بهره برداری کشاورزان در مزرعه ماشک است.

۲۰. فصلنامه عشایر دختر افلاک، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۷۰، ص ۳۸.

۲۱. معطر فهرمائی ایوردی، تاریخ وقایع عشایری فارس، چاپ اول ۱۳۷۳، تهران، ص ۲۷.

Chowring, the District, Newslets of the Hingon, 1977, 1.

۲۲. این شهرت، از سال ۸۱۸ ق. در فارس بوده و در جامع التواریخ، تصریح دارد به اینکه دگدمان به یلاق جمعی از ترکان بوده است شاه عباس اول (۸۱۸ ق.م) حرمت اندک هوای بیاز و سیر وادی و کوهسار، از دارالسلطنه اسفهان به یلاق گندمان می فرمود. ( ج ۱، کنده روضه الصفویه، ص ۴۰۹، ۴۱۰ و ۸۷۱ دستاویهای عشایری و روستائی فارس، ص ۱۶۸).

۲۳. رکن الدوله فرهاد خان فرامانی، از نتایج بهره ای بیگ در افغانو. که در حکومت شاه عباس، معسر به لقب خانی گردید، روضه الصفویه، ص ۱۷۰، ۱۷۱.

۲۴. زنده التواریخ، محمد محسن مستوفی، به کوشش بهروز گودرزی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۳۸.

۲۵. سلطان خلیل، یکی از لرهائی ایوردی، ۱۸۸۱ م. کروئولوژی جهان اسلام، داده اسفهان، ۱۳۵۰، ص ۱۴۹ و نام مزرعائی از روستائی هونجان.

۲۶. زاده های عشائی، بانظر دکتر حسین مر جعفری، استاد تاریخ دانشگاه اسفهان تنظیم شده است.

۲۷. زاده های آذری، بانظر دکتر سیروس شفق، استاد جغرافیای دانشگاه اسفهان تنظیم شده است.

۲۸. زویب اسدیه صورت، فرمایشات استاد ملکی، سنگو شته هاد بانظر دکتر سید حسن حسینی ایوبی، استاد جغرافیای دانشگاه اسفهان، تنظیم شده است.



## منابع و ماخذ

۱. سروس برهام، دستاویهای عشایری و روستائی فارس ج ۸ انتشارات امر کبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴، ص ۶۸.
۲. میرزا محمد ظاهر، امر آبدی، تذکره امر آبدی، تصحیح وحید دستگردی، سال ۱۳۱۷، چاپ زمستان، صص ۲۱۶ و ۲۱۷.
۳. حسین محمدزاده، مقاله بزرگان است. میرزا مادون قشقایی در بروجین، روزنامه همشهری، پنجشنبه ۲۵ تیر ماه ۱۳۷۷، سال هشتم، شماره ۱۵۹۰، ص ۱۱.
۴. معطر فهرمائی ایوردی، وقایع عشایری فارس، چاپ اول ۱۳۷۳، انتشارات علمی تهران، ص ۳۶۴.
۵. تاریخ و احتشامی، از مضرب نامحراب، سال ۱۳۷۰، ص ۶۸.
۶. ایرج افشار، بعد از اجداد فرهنگی و هنری، شماره ۲، خرداد و تیر ماه ۱۳۷۹، ص ۵۱.
۷. داده اسفهان، کروئولوژی جهان اسلام، ترجمه و حواشی، سال ۱۳۵۰، اسفهان، ص ۱۴۹.
۸. مهدی فرخو، پایان نامه دوره لیسانس، جغرافیای منطقه وردشت، دانشگاه اسفهان، ۱۳۶۹، ص ۳۵.
۹. سعید مردانی کزلی، پژوهشی در تاریخ و تمدن و فرهنگ چهار محال و بختیاری، انتشارات شهر کرده، ۱۳۷۵، ص ۳۶۱.
۱۰. میرزا بیگ حسن بن حسینی خانی، روضه الصفویه تاریخ دوره صفویه، به کوشش غلامرضا مجد طباطبائی، تهران، ۱۳۷۸، صص ۲۹۶، ۴۰۹، ۴۱۰، ۸۷۹.
۱۱. زنده التواریخ، محمد محسن مستوفی، به کوشش بهروز گودرزی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۳۸.
۱۲. سازمان اسناد ملی ایران (اسفهان).
۱۳. اسناد ارائه تنظیم و عطف به احتشامی ضبط است.



بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
 وآله الطيبين الطاهرين  
 أجمعين

والمؤمنين  
 الذين اتبعوا  
 ما آتاهم من  
 ربهم  
 والذين هم  
 على صراط  
 مستقيم

والمؤمنين  
 الذين اتبعوا  
 ما آتاهم من  
 ربهم  
 والذين هم  
 على صراط  
 مستقيم  
 والذين هم  
 على صراط  
 مستقيم  
 والذين هم  
 على صراط  
 مستقيم

۱۰۱۹





سید مرتضیٰ موسوی خراسانی ...

قدوة الامم و ائمه ...

اوست و بزرگوار است ...

یستشید بالبرهان ...

این عروق غوار کجایی ...

زین امر بگذشتن ...

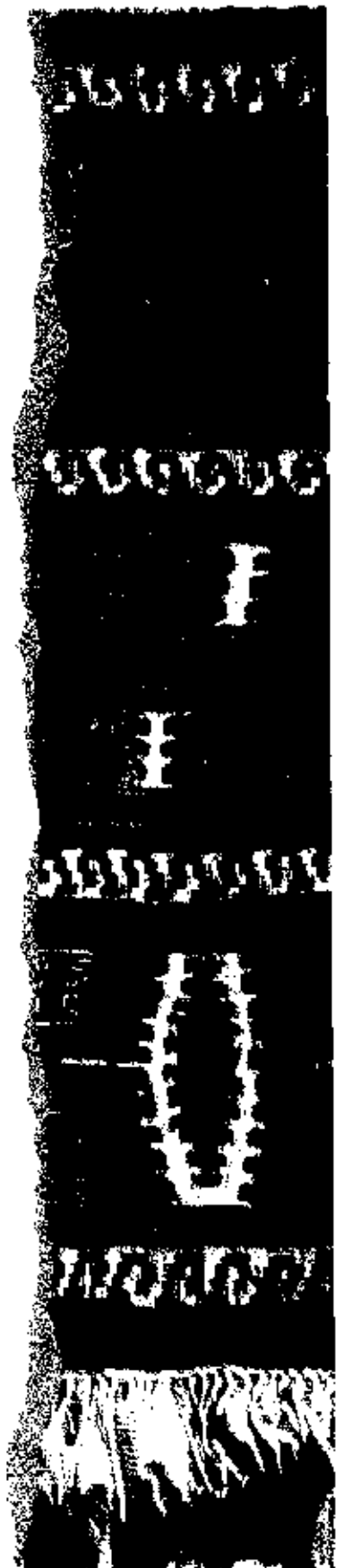
کجا در کجای ...

مستجاب گشت ...

عیون تقدیر ...







فردی که در این راه است  
در این راه که است  
در این راه که است

بگویند که این است  
بگویند که این است  
بگویند که این است

بگویند که این است  
بگویند که این است  
بگویند که این است

بگویند که این است  
بگویند که این است  
بگویند که این است

بگویند که این است  
بگویند که این است  
بگویند که این است

